

درباره امیرمحمد محبوبی ورزشکاری که منش پهلوانی را بلد است

مدال پهلوانی

قانون در زندگی، حرف اول را می زند. یعنی از آن دسته چیزهایی است که وجودش به زندگی و روابط و هر چیزی نظم می دهد و خیالمان را از بابت روالش راحت می کند. مهمان این هفته صفحه «یکی مثل ما» امیرمحمد محبوبی است. پسری نوجوان که زندگی اش بر مدار ورزش می چرخد و در رشته کاراته، حرف های زیادی برای گفتن دارد. رشته ورزشی او یکی از پر قانون ترین رشته هاست. از سلام دادن و نحوه احترام به استاد گرفته تا بسیاری چیزهای دیگر در حرکات شان. می خواهیم با امیرمحمد آشنا شویم و پای داستان موفقیتش بنشینیم. با ما همراه باشید.

عطیه ضرابی

نوجوانه



« تلخ و شیرین

هر اتفاقی که در زندگی مان رقم می خورد، می تواند تلخ باشد یا شیرین، مهم این است که ما چگونه آن را مزه می کنیم. یکی از خاطراتی که در ذهن امیرمحمد باقی مانده لحظه حرص خوردن های پدر عزیزش هنگام مسابقاتی است که رقابت تنگاتنگی بین امیرمحمد و حریفش وجود دارد و آنجاست که باید تصور کنیم داد و فریادهای پدرش از گوشه و کنار زمین به ذهن امیرمحمد می رسد و عمل می کند یا نه. مادرها و پدرها، تا آخر دنیا، اولین و بهترین کسانی هستند که دل شان برای ما تاپ تاپ می زند و دوست دارند همیشه ما را موفق و سرحال و خوشحال ببینند. علاوه بر پدر و مادر امیرمحمد محبوبی، استادی هم در این مسیر خیلی کمک حالش بوده و دوست داریم که نام شان را در اینجا بیاوریم: استاد فلاحی زاده که روزها و شب های زیادی را با امیرمحمد همراه بوده است و در رسیدنش به این جایگاه تاثیرگذار.

« الفبای ورزش

همه چیز از خردسالی شروع می شود، زمانی که امیرمحمد با پدر رزمی کارش به پارک های مختلف می رفتند و به تمرین می پرداختند. می گویند آموزش در کودکی مثل سنگ بر روح و جان بچه حک می شود و همین هم شد. انتخاب امیرمحمد پس از آن، شرکت در کلاس های کاراته بود و رشد و پیشرفت. دیگر امیرمحمد و کاراته و استاد هایش رفیق صمیمی هم شده بودند و برای آینده شان تلاش می کردند. حالا او حدودا ۱۷ - ۱۶ ساله است و در پایه دهم رشته هوافضا درس می خواند. این روزها تهران، ماوا و مسکن امیرمحمد است و دارد پله های ترقی را با پله برقی بالا می رود! او صاحب مدال های طلا و نقره بین المللی و آسیایی است و در مسابقات درون باشگاهی و کشوری بسیج هم گل کاشته است. در بازی های انتخابی کشوری محمد رسول... هم حضور داشته و طبق معمول درخشیده است.

« منهای ورزش

تا اینجا که فقط از کاراته و وادریو و انواع و اقسام موفقیت های ورزشی صحبت کردیم و شاید بعضی از شما مشتاق شنیدن دیگر ابعاد زندگی از ورزشکار نوجوان مان باشید. امیرمحمد محبوبی بخش بیشتری از زندگی اش را به پای ورزشش گذاشته است، قبول اما دلیل نمی شود که ما سراغ دیگر سرگرمی ها و دلمشغولیهایش نرویم. اولین چیزی که به ذهنم می آید تداخل درس و مدرسه و ورزش است. امیرمحمد خیلی صادقانه می گوید که بعضی وقت ها، ورزش های طولانی و وقت گذاشتن های زیاد برای ورزشش، الحاق والانصاف به درسش صدمه زده و باعث افتش شده است اما نگذاشته این وضعیت ادامه پیدا کند و با تلاش و برنامه ریزی، تناسبی بین این دو بزرگوار ایجاد کرده است. از این دو مورد که بگذریم، امیرمحمد وقتی را هم برای کتاب خواندنش کنار گذاشته و می توان گفت آدم کتابخوانی است اما در کنارش تلویزیون دیدن و فیلم تماشا کردن را هم بی خیال نشده و حسابی به خودش می رسد. رفت و آمدش هم به مسجد محله شان زیاد است و می توانیم بچه مسجدی صدایش کنیم. عاشق اردوهای تابستانی است و مثل این که هر هفته هم با خانواده به کوهپیمایی می روند. چه چیزی از این بهتر.

« مدالی برای شهید دانش آموز

چهارم آبان سال ۱۴۰۱ بود که یک حمله تروریستی در حرم مطهر (ع) اتفاق افتاد. ۱۳ نفر از هموطنان مان که به این امامزاده پناه آورده بودند تادر دلی بکنند و بار روی شانهای شان را با دعا و زیارت کمتر کنند، هدف گلوله تروریست ها قرار گرفتند و برای همیشه به سمت خدا پرواز کردند. دانش آموزی هم در میان این شهدا وجود داشت. امیرمحمد یکی مثل مای این هفته ما هم دانش آموز است. او طی یک میل شخصی و با اراده خودش و با قلبی که از این اتفاق ناراحت بود، مدال هایش را از طریق وزیر آموزش و پرورش، آقای نوری، به خانواده این شهدا و روح مطهر شهیدان واقعه حرم شاه چراغ (ع) تقدیم کرد. امیدواریم نگاه و دعای آنها، بدرقه راه امیرمحمد باشد و بیش از پیش در راه و مسیرش بدرخشد. امیرمحمد از این که مدال های جهانی و آسیایی اش را به این شهدای گرانقدر هدیه کرده خیلی خوشحال است و خبرگزاری ها هم این خوشحالی را منعکس کردند.

« تاقله موفقیت

درست است که هر ورزشی و هر کاری، اگر بخواهد به بهترین نحو انجام شود کلی سختی و بالا و پایین دارد و ممکن است آدم پیر راهش گردد اما باید بدانیم که زور هدف، اگر واقعا هدف باشد، بسیار بالاتر از این موانع و چالش هاست و آن کسی که واقعا بخواهد، به آرزویش می رسد. هر چند امیرمحمد محبوبی می گوید که هزینه بعضی مسابقه ها بسیار بالاست و ممکن است اذیتش کند، یا به درس و مدرسه اش آسیبی برسد و بقیه چیزها اما هدفی که او دارد به همه اینها می ارزد. او دوست دارد در انتخابی تیم ملی کشورمان ایران برگزیده شود و بعد با تلاش های خودش و کمک های خدا، پرچم این سرزمین سربلند را، بالا و بالاتر ببرد و نام ایران مان را از همیشه زیباتر جلوه دهد. ما امیرمحمد های زیادی داریم که با تلاش و امید و انگیزه، ایران آینده را می سازند و پایه پای آرزوهای شان برای مسیر و هدفی که عاشقش هستند تلاش میکنند. بیایید با نگاههای مان، حرفهای مان و امید دانهای مان آنها را از این مسیری که پیش رو دارند ناامید نکنیم و راهشان را هموار کنیم. به امید موفقیت همه نوجوانان ایران.

« دوزدن ممنوع!

کاراته قوانین زیادی دارد. پایت نباید از یک جایی بیشتر بالا بیاید و گرنه خطا کرده ای. دست نباید آسیب جدی به طرف مقابل بزند و گرنه باید دور مدال و برنده شدن را خط بکشی. در هر بازی هم چند داور این طرف و آن طرف زمین نشسته اند و چهارچشمی نگاهت می کنند، با دقت تمام و موظفند هر چیزی که دیدند را گزارش کنند. این حرف ها را امیرمحمد محبوبی که ورزشکار این رشته است می گوید و تاکید هم می کند که هر ورزشکاری باید به قوانین ورزشش توجه کند، و گرنه باید دور موفق شدن در آن رشته را خط بکشد و بی خیالش شود. قانون همان قدر که در ورزش هایی مثل همین کاراته یا ورزش های دیگر مهم است، در فضای بزرگتری به اسم جامعه هم اهمیت دارد. وقتی یکی مثل امیرمحمد تصمیم می گیرد که وارد چنین ورزشی شود تمام قوانینش را هم قبول می کند. این رفتار را اگر بزرگتر کنیم، به مفهوم جامعه پذیری می رسیم. مفهومی که بسیار ساده است اما درک و عمل کردن به آن ممکن است برای بعضی افراد سخت باشد. خوب است اگر در جامعه ای زندگی می کنیم به قوانینش توجه کنیم و اگر این مورد یادمان رفت، در گوشه ذهن مان سری به مسابقاتی که امیرمحمد در آن شرکت می کند بزنیم و قوانین کاراته را مرور کنیم.

